

زنان: کلید امنیت غذایی

فرح آرا نوروزی، پرناز صدیقی

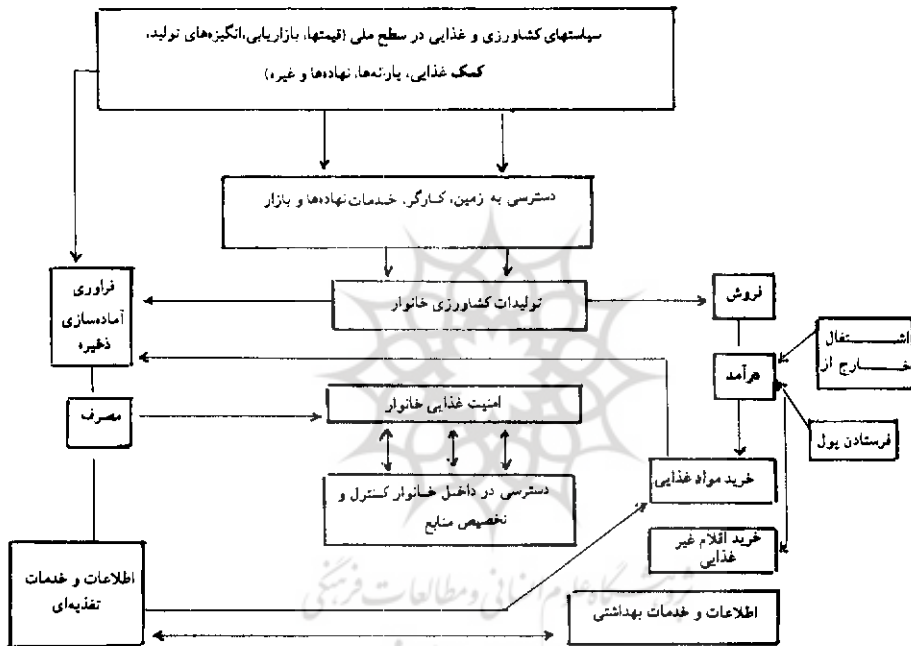
این نوشتار که بر اساس اسناد بین‌المللی در مورد زنان برخی کشورهای فقیر در حال توسعه فراهم آمده ضمن ارائه اطلاعات، امکان سنجشی با وضع زنان روستایی در جمهوری اسلامی ایران را نیز فراهم می‌آورد.

مقدمه:

امنیت غذایی هنگامی وجود خواهد داشت که همه مردم در همه اوقات به غذای مورد نیاز خود برای یک زندگی سالم و فعال داشته باشند (۱). به همین علت است که تمامی انسانها باید در خصوص اقدامات و تصمیماتی که بر امنیت غذایی آنان تأثیر می‌گذارد، مشارکتی فعال و برابر داشته باشند. مشارکت مردم در این خصوص نیز، در کلیه سطوح اعم از افراد و گروهها، ساکنان شهرها و روستاها، زنان و مردان، مستلزم برخورداری آنان از قدرت و اختیار در مطرح کردن مشکلات و نیازهایشان به منظور پیشرفت و توسعه می‌باشد. برای قسمت اعظم جمعیت جهان، فقر، سدی دشوار بر سر راه مشارکت و حق انتخاب (۲) و همچنین علت اصلی ناامنی غذایی است (۱). زنان که بزرگترین قشر محروم از نظر کسب درآمد، تحصیل، سهم بودن در تصمیمگیرهای سیاسی و دارا بودن نمایندگی سیاسی می‌باشند با موانع بسیاری روبرو هستند (۲).

در حالی که تعداد زیادی از زنان از گرسنگی و سوء تغذیه رنج می‌برند به همان اندازه نیز در کاهش آن نقش دارند. آنها در تولید غذای جهان، برای مصرف داخلی سهم بزرگی به عهده دارند (۱).

نمودار زیر برخی از عواملی را که می‌تواند (البته نه لزوماً) با امنیت غذایی خانوار مربوط باشد به تصویر کشیده است.



مأخذ: بانک جهانی ۴۳۴۶۱ (۸)

این نمودار گرچه کامل نیست، نشاندهنده ارتباط بین عوامل مختلف بوده و نقش محوری زنان را در امنیت غذایی خانوار نشان می‌دهد.

زنان: کلید امنیت غذایی

این نمودار گرچه کامل نیست، لیکن نشاندهنده ارتباط بین عوامل مختلف بوده و نقش محوری زنان را در امنیت غذایی خانوار نشان می‌دهد.

سیاست‌های کشاورزی و غذایی در سطح ملی به گونه و درجات متفاوتی، بر توانایی زنان در همکاری با امنیت غذایی خانوار تأثیر می‌گذارد.

تولیدات کشاورزی خانوار می‌تواند به صورت انواع محصولات غذایی، محصولات نقدی کشاورزی (جهت کسب درآمد و فروش) و یا دام و طیور و شیلات باشد. درآمد حاصل از فروش مواد غذایی و محصولات نقدی می‌تواند برای تهیه غذا استفاده شود. با این حال، این مسئله ممکن است موضوعی فصلی باشد. بدین معنی که زنان ممکن است غذاهایشان را در وقت برداشت محصول که قیمتها پایین است، برای شهریه مدارس، به فروش برسانند و بعداً، هنگامی که مواد غذایی قیمت بالاتری دارد، آنها را تهیه نمایند.

دسترسی به اطلاعات و خدمات تغذیه‌ای و بهداشتی و نیز وضعیت بهداشتی و تغذیه‌ای خانوار ممکن است روی تخصیص بودجه خانوار برای خرید مواد غذایی و یا تأمین سلامت تغذیه‌ای آنها تأثیر داشته باشد. همچنین فرصت و زمانی که برای انجام فعالیتهای مربوط به تولید و مصرف غذا صرف می‌شود (یا در دسترس است) نیز سطح امنیت غذایی خانوار را متأثر می‌سازد. بنابراین اهمیت کاربرد تکنولوژی (فن آوری) مناسب به منظور صرفه‌جویی در وقت و نیرو در مراحل مختلف چرخه تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی روشن است در این چرخه، مقایسه مجموعه عوامل (که در امنیت غذایی خانوار اهمیت دارند) نشان می‌دهد که پویایی داخل خانوار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دانستن اینکه چه کسی درآمد کسب می‌کند و چگونه درآمد صرف خانوار می‌شود، متغیرهای کلیدی در معادله امنیت غذایی است (۸).

در حال حاضر ۸۰۰ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه با ناامنی غذایی مواجه هستند و مسئله تحقق تأمین نیازهای غذایی و تغذیه‌ای ایشان در سالهای آینده احتمالاً حادث خواهد شد. یکی از منابع بهره‌برداري نشده در زمینه رشد کشاورزی برای کمک به تأمین این نیازها، ارتقاء جایگاه زنان در توسعه کشاورزی است.



زنان: کلید امنیت غذایی

زنان در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی را در ابقای سه ستون امنیت غذایی ایفا می‌کنند: تولید مواد غذایی، دستیابی اقتصادی به غذاهای موجود و امنیت تغذیه‌ای. اما آنها این نقشها را در حالی انجام می‌دهند که با فشارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روبه‌رو هستند. و مهاجرت و جنگ نیز مشکلات را پیچیده‌تر می‌کند و منجر به تشدید فقر نزد زنان و یا به عبارتی «مؤنث سازی فقر» می‌شود. در حالی که تعداد زنان سرپرست خانوارهای روستایی رو به افزایش است، زنان هنوز فاقد زمین، اعتبار، فن آوری و آموزش و دیگر منابع و خدماتی که برای تغذیه خانواده‌شان به آنها نیاز دارند، می‌باشند (۱، ۲، ۴، ۶). به علاوه ایشان از فرصتهای شغلی کمتری بهره‌مند بوده و دستمزد کمتری نیز نسبت به مردان دریافت می‌کنند و علاوه بر همه اینها مسئولیت امور داخلی منزل و مراقبت از کودکان نیز مقدار قابل توجهی از وقت و انرژی ایشان را می‌گیرد و مشارکت آنها را در سایر فعالیتها محدود می‌سازد (۲ و ۷). علی‌رغم همه اینها، زنان هنوز کلید عمده حل مشکلات گرسنگی و دسترسی به امنیت غذایی هستند (۱ و ۵). بررسیهای مقایسه‌ای نشان داده است که اگر منابع (منابع تولید؛ فرصتهای آموزشی و فن آوری و ...) در اختیار زنان قرار گیرد همچون مردان می‌توانند اعمال مدیریت و کنترل لازم را نموده و در سلامت تغذیه‌ای کودکان مؤثر باشند. (۵)

زنان و تولید مواد غذایی

تولید پایدار مواد غذایی اولین ستون امنیت غذایی است. زنان در صحرای آفریقا ۷۰-۸۰٪، در آسیا ۶۵٪ و در آمریکای لاتین و جزایر کارائیب ۴۵٪ تولیدات غذایی خانوار را به عهده دارند (۳ و ۱۰). در کشور ما سهم زنان به عنوان نیروی کار کشاورزی حدود ۴۰٪ عنوان شده است. این رقم بدون احتساب فعالیتهای مربوط به خانه‌داری است که بعضاً اموری چون سبزیکاری، گلکاری و ... را در بر گرفته، جنبه تولیدی دارد و درآمدی را نصیب خانوار می‌سازد. مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی بر اساس برخی آمارهای غیررسمی ۷۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه‌های روغنی و ۳۰ درصد در امور برداشت باغهاست (۶).

همچنین در برخی از مراحل تولید محصولات زراعی بهره‌گیری از نیروی کار زنان باعث افزایش محصول می‌شود.

به عنوان مثال در شمال کشور اغلب باغداران تمایل دارند از کارگران زن جهت برداشت محصول خود استفاده کنند. زیرا معتقدند زنان دقت بیشتری در برداشت محصول می‌کنند و ضایعات محصول کمتر است.

زنان روستایی در دامداری نیز در کلیه مناطق کشور نقش بسیار فعالی دارند. درصد سهم زنان در تولید لبنیات در بیشتر استانها بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصد گزارش شده است (۷).

زنان این نقش را علی‌رغم عدم تساوی در دسترسی به زمین، به نهاده‌هایی نظیر بذرها، مرغوب و اصلاح شده و برخورداری از اطلاعات کافی انجام می‌دهند. در صورت امکان دسترسی مساوی به منابع و سرمایه‌های انسانی، زنان کشاورز می‌توانند به اندازه مردان یا حتی همان طور که برخی بررسیها نشان می‌دهد، خیلی بیشتر از آنها در تولید محصول نقش داشته باشند (۳). قوانین حاکم بر حقوق زنان در مورد زمین خیلی متغیر است در جاهایی برخی قوانین، مالکیت زنان را بر زمین منع کرده است. حتی زمانی که قوانین کشوری، حقوقی را برای به ارث بردن زمین برای زنان قائل شده‌اند، ممکن است قوانین و رسوم محلی شکل دیگری را حکم کنند (۳ و ۲). در صحرای آفریقا، که زنان مسئولیت اصلی را برای تولید مواد غذایی به عهده دارند، معمولاً تنها با رضایت مردان خانواده، حق بهره‌برداری از اراضی را دارند (۳ و ۸).

در پاره‌ای نقاط برخی طرحهای آبیاری و اسکان مجدد، با صدور اسناد مالکیت فقط برای مردان، حق زنان را برای زمین از بین می‌برد.

این عدم امنیت تصرف، احتمال آن را که زنان برای حاصلخیز کردن زمین یا اتخاذ عملیات زراعی پایدار کشاورزی وقت یا منابع زیادی را صرف کنند، کاهش می‌دهد.

نارساییهای حقوق زنان در مورد زمین، منجر به ناتوانی در استفاده از زمین به عنوان وثیقه‌ای برای دستیابی به اعتبار و وام می‌شود. موانع اجتماعی و فرهنگی، پایین‌تر بودن سطح آموزش زنان نسبت به مردان و نبود آشنایی با روشهای وام گرفتن، نیز ممکن است تحرک و ارتباط آنان را با اعتباردهندگان که عمدتاً مردان هستند، محدود کند (۳).

زنان: کلید امنیت غذایی

علی‌رغم نقش مهم زنان در کشاورزی، آنها از راهنمایهای مروجین کشاورزی و دیگر خدمات سهم متناسبی را کسب نمی‌کنند. یک راه حل بالقوه، افزایش تعداد زنان مروج در بخش کشاورزی است. راه حل دوم، این است که به زنانی که در زمینه پیشرفت و بهبود جامعه یا اقتصاد خانواده فعالیت می‌کنند، آموزش کشاورزی داده شود. سومین استراتژی برای مروجین (مرد یا زن) است که با کشاورزان به صورت گروهی تماس بگیرند. این روش موجب کاهش یا حذف فشارهای فرهنگی علیه ارتباط بین مروجین مرد و زنان کشاورز می‌گردد. و همچنین امکان مبادله اطلاعات میان اعضای گروه را فراهم می‌کند.

ارائه آموزشهای پایه به زنان، فعالیت تولیدی کشاورزی و درآمد را بالا می‌برد. احتمال پذیرش و استفاده فن‌آوریهای جدید در میان کشاورزان آموزش دیده، بیشتر است. به طور نمونه بررسیهای انجام شده در کنیا، نشان داد که افزایش آموزشهای ابتدایی زنان کشاورز نه تنها آنها را به راحتی به سوی کاشت قهوه (که محصولی پرارزش است) هدایت کرد، بلکه موجب شد تا پذیرش این محصول در میان دیگر زنان که از زنان کشاورز بیشتر از مردان تقلید می‌کردند نیز افزایش یابد.

زنان و دستیابی اقتصادی به غذا

دومین ستون امنیت غذایی، دستیابی اقتصادی به غذاهای موجود است. برآورد شده است که فعالیتهای زنان در برخی از مناطق روستایی در بوتسوانا، کامرون و نپال بالغ بر ۵۴ تا ۷۰٪ کل درآمد خانوار را شامل می‌گردد (۹).

در ایران، زنان روستایی با توجه به تنوع مسئولیت‌هایشان در امر تولید و سهم عمده‌ای که در مراحل تولید بر عهده دارند، بخش اعظم درآمد خالص خانوار را تأمین می‌کنند. نتیجه این امر صرفه‌جویی در هزینه‌های تولید از نظر استخدام کارگر برای خانوار روستایی است. همچنین اشتغال زنان روستایی در تولید اجناس و محصولات که جنبه فروش و کسب درآمد دارد (نظیر صنایع دستی) باعث افزایش درآمد خانوار می‌شود. تعیین مقدار کمی این تأثیر نیاز به مطالعه‌ای عمیق دارد که تاکنون در کشور صورت نگرفته است، اما از جنبه کیفی می‌توان تأثیر درآمد زنان

روستایی بر اقتصاد خانوار را بررسی کرد. بدیهی است این تأثیر تبعات گوناگون دارد که برخی از آنها عبارتند از:

- کاهش شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی: فعالیت تولیدی زنان روستایی و درآمد آنها باعث می شود شکاف موجود بین خانوارهای شهری و روستایی از لحاظ درآمد کاهش یابد و یکی از اهداف توسعه روستایی تحقق یابد.

- صرفه جویی در هزینه های تولید محصولات زراعی و دامی: کسب درآمد توسط زنان روستایی، قدرت خرید خانوار را افزایش می دهد. در نتیجه مرد خانواده می تواند با خرید وسایل مکانیزه کشاورزی نظیر تراکتور، کمباین و ... با تعداد کمتری کارگر امر تولید را انجام دهد.

- بهبود وضعیت سواد، بهداشت و تغذیه در خانواده: درآمد زنان روستایی تأثیر مثبتی بر تحصیل فرزندان آنها دارد، زیرا برخی از هزینه های تحصیل آنان را تأمین می کند. علاوه بر آن باعث افزایش بهره گیری خانوار از خدمات بهداشتی و تغذیه بهتر خانواده می شود.

- تأمین هزینه های خانواده به عنوان سرپرست خانوار: در مناطقی که مردان جهت انجام کارهای فصلی مهاجرت می کنند و یا بنا به دلایلی چون فوت، طلاق و ... مسئولیت خانواده با زنان است، و لذا خطر ناامنی غذایی بالاتر می باشد، کسب درآمد به وسیله زنان می تواند عامل بقای خانواده محسوب گردد.

- کاهش مهاجرت به شهرها: تأمین بخشی از درآمد زندگی توسط زن روستایی باعث می شود مشکلات عادی زندگی برطرف شده، خانواده روستایی وادار به مهاجرت به شهر نشود (۷).

در سالهای اخیر بررسیها نشان داده است که بهبود در رفاه خانواده نه تنها به سطح درآمد خانواده بلکه به کسب کننده درآمد بستگی دارد (۳). Haddad & Webb و Pena (۱۹۹۵) و همچنین بررسیهای دیگر نشان دادند که زنان، نسبت به مردان بیشتر تمایل دارند تا درآمدهایشان را برای تهیه غذا برای خانواده مصرف کنند (۳ و ۵). به علاوه بهبود سلامت کودکان و وضعیت تغذیه ای ایشان وابستگی زیادی به درآمد زنان (تا در آمد مردان) داشته است (۳). بدین معنی که دسترسی مستقیم زنان به پول و محصولات (یا دسترسی نداشتن به آنها) ارتباط مستقیم با مقدار

غذای مصرف شده توسط خانواده دارد (۱).

چرا مردان و زنان درآمدهایشان را متفاوت از هم خرج می‌کنند؟

بر اساس انگیزش و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی زنان باید مراقب باشند تا اعضای خانواده به ویژه کودکان سهم کافی از غذای موجود را دریافت کنند. همچنین از آن جایی که معمولاً درآمد زنان نسبت به مردان در دفعات بیشتر اما در مقادیر کمتری حاصل می‌شود، احتمال بیشتری وجود دارد که با سرعت بیشتر و بر اساس نیازهای معیشتی روزمره هزینه شود.

چون درآمد یک عامل بحرانی در قدرت خانواده برای دستیابی به غذاست، فقر تهدید بزرگی برای امنیت غذایی خانواده شمرده می‌شود. ترکیب فقر و عدم برابری جنسیت تهدید بزرگتری را متظاهر می‌سازد زیرا بهبود وضعیت تغذیه‌ای با افزایش درآمد زنان در ارتباط نزدیک است. بالا رفتن درصد زنان سرپرست خانوار در کل دنیا، موجب بروز نگرانی‌هایی شده است، زیرا بررسیمهای گذشته ارتباط بین سرپرستی زنان و فقر را نشان داده است. این زنان نیاز به افزایش فرصتهای آموزش، اشتغال و کسب درآمد جهت بهبود امکانات مالی خانوار دارند (۳). بهبود دسترسی زنان به منابع و خدمات موجب افزایش تولید، استفاده کاراتر از منابع و در نهایت سودبخشی بیشتر خواهد شد (۱۰).

زنان و امنیت تغذیه‌ای

سومین ستون امنیت غذایی دستیابی به امنیت تغذیه‌ای است، بدین معنا که مقدار پروتئین، انرژی، ریز مغذیها و مواد معدنی برای تمام اعضای خانواده کافی باشد. امنیت تغذیه‌ای نه تنها به کافی بودن مواد غذایی در سطح خانواده بلکه به عواملی نظیر سلامتی و مراقبت از کودکان، دسترسی به آب پاکیزه و اقدامات بهداشتی نیز بستگی دارد.

برقراری امنیت تغذیه‌ای خانواده از طریق ترکیب غذا و دیگر منابع جزو قلمرو انحصاری

زنان است.

تقریباً تمامی نهادهای غیر غذایی که در امر تغذیه استفاده می‌شود، نیاز به صرف وقت دارد و به طور معمول این صرف وقت توسط زنان صورت می‌گیرد. برای مثال یکی از موارد

حیاتی برای تغذیه خوب، «مراقبت» است، یعنی زمان و توجهی که برای تأمین نیازهای فیزیکی، ذهنی و اجتماعی مورد نیاز رشد کودکان و دیگر اعضای خانواده اختصاص داده می‌شود. مراقبت، امنیت تغذیه‌ای را از دو بعد کلی متأثر می‌سازد: اول، از طریق روشهای تغذیه نظیر شیردهی مادر و تهیه مواد غذایی مغذی و دوم، از طریق روشهای تندرستی و بهداشتی نظیر حمام کردن کودکان و شستن دستها قبل از تهیه غذا، و اینها مواردی است که نیازمند صرف وقت است.

از این رو زنان دائماً در مورد تصمیمگیری برای تخصیص اوقات خود با مشکل مواجه هستند (۳). بررسیهای کشورهای در حال توسعه در کل دنیا، نشان داده که زنان اوقات فراغت کمتری نسبت به مردان دارند و بیشتر وقت خود را علاوه بر فعالیتهایشان در امر تولید و بازاریابی صرف امور خانه‌داری می‌کنند. در بسیاری از نقاط دنیا، به دلیل مهاجرت مردان به شهرها در جستجوی مشاغل پردرآمد بار مسئولیت زنان روستایی واقعاً در حال افزایش است تا برخی از کارهایی را که در قدیم توسط مردان صورت می‌گرفت شامل گردد.

لذا زنان عموماً خود را در یک سیستم بسته می‌بینند که باید در آن برای هر تلاش جدید زمان یا انرژی تخصیص یافته را از دیگر فعالیتهای منحرف کنند (Popkin, McGuire, ۱۹۸۸). (۸)

۱۰ بررسی انجام شده در سال ۱۹۷۹ در مناطق روستایی کنیا نشان می‌دهد که زنان ۱۳ تا ۱۴ ساعت در روز کار می‌کنند. به طور متوسط، وظایف مربوط به آماده‌سازی غذا و تغذیه ۱ روز را شامل می‌شود و جمع‌آوری آب و چوب برای سوخت، زراعت، مراقبت از حیوانات و بازاریابی بقیه وقت را می‌گیرد (Gok و یونیسف ۱۹۸۴). توجه بیشتر زنان به موضوعات بهداشتی و سلامتی ضرورت تقسیم وقت را بیشتر می‌نماید. (برای مثال جمع‌آوری آب برای شستن بچه‌ها، تمیز کردن ظروف، شستن لباسها، که بیشتر و بالاتر از آب مورد نیاز برای حیوانات است) (ILO ۱۹۸۶). علاوه بر همه اینها کار زنان وقتی که آب آشامیدنی نیاز به جوشاندن داشته باشد بیشتر نیز می‌شود (۸).

افزایش وقت اختصاص داده شده به تولید درآمد (که معادل با هزینه بیشتر برای مواد غذایی در نظر گرفته می‌شود) و استفاده از تسهیلات بهداشتی و آموزشی می‌تواند وضعیت

زنان: کلید امنیت غذایی

تغذیه‌ای کودکان را بهبود بخشد، اما این مسئله به این دلیل که زمان مراقبت مستقیم از کودکان را کاهش می‌دهد ممکن است تأثیر خود را از دست بدهد. با این حال افزایش اشتغال زنان در خارج از منزل، ممکن است قدرت نفوذ زنان در داخل خانواده را از نظر تصمیمگیری مالی و اداره معیشت زندگی خانوار افزایش دهد. لذا توسعه فن‌آورهایی که بتواند از زمان کار زنان در تولید کشاورزی و اداره امور خانه بکاهد بدون اینکه آنها قدرت کسب درآمد مستقل را از دست بدهند از اهمیت بسیار حیاتی برخوردار است.

در راستای برقراری وضعیت تغذیه مناسب برای کودکان، حمایت از وضعیت تغذیه‌ای زنان اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. وضعیت تغذیه در دوران بارداری، افزایش وزن دوران بارداری، رژیم غذایی در دوران شیردهی و شیردهی مادر، موجب می‌گردد تا مادران برخوردار از تغذیه بهتر، نوزاد سالم‌تر با وزن بالاتر و کودکانی با تغذیه بهتر را پرورش دهند. در مواقع خشکسالی، زنان با تغییر وضع تغذیه خود، به نفع سایر اعضای خانواده با شوکها و بحرانها مقابله می‌کنند. و لذا وضعیت تغذیه ایشان ممکن است تهدید شود. به علاوه شواهد به دست آمده از جنوب آسیا نشان داده است که توجه بیش از اندازه‌ای که در هنگام توزیع غذا و دیگر منابع در داخل خانواده، به مردان و بزرگسالان صورت می‌گیرد، ممکن است سلامت و تغذیه زنان و دختران را به خطر اندازد (۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

برای اینکه به زنان امکان داده شود تا امکانات بالقوه خود را در ایجاد امنیت غذایی کامل کنند، دولت و حاکمیت ملی کشورها و سازمانهای بین‌المللی باید قدمهای سیاسی را در سه بخش کلی بردارند. اول باید سرمایه‌های فیزیکی و انسانی زنان را افزایش دهند. توانایی زنان در تولید مواد غذایی می‌تواند با بهبود دسترسی ایشان به منابع، فن‌آوری و اطلاعات بالا رود (۳). بنابراین شناخت و تدوین قوانینی که امکان دسترسی زنان به زمین و آب را فراهم سازد و همچنین تشکیل نهادهای معتبر برای حصول اطمینان از تساوی دسترس زنان الزامی است (۹).

گسترش آموزش سواد به زنان و دختران، ضامن تولید افزون‌تر هم برای امروز و هم برای

فردای کشورها خواهد بود. دوم، سیاستگذاران باید توانایی زنان را برای تولید درآمد افزایش دهند تا سودمندی درآمد زنان را برای امنیت غذایی و تغذیه‌ای خانواده به حداکثر برسانند (۳). ساز و کارها، باید به نحوی هدفمند شوند که توانایی نیروی تولیدی زنان هم در زمان اشتغال و هم در تولید داخلی افزایش یابد، و زنان بتوانند بدون صرف وقت اضافی و یا از دست دادن فرصتهای رفاه کودکانشان و یا سلامت و وضعیت تغذیه‌ای خودشان، درآمدها را افزایش دهند (۳ و ۸). سوم، دولت‌ها باید از وضعیت سلامت و تغذیه زنان حمایت لازم را به عمل آورند تا به آنها امکان دهند نقشهای تولیدی و بقای نسل را بخوبی به انجام رسانند.

برنامه‌های ویژه توسعه یا ایمنی برای زنان باید امکانات درآمدی - پس‌اندازی ایشان را در حالی که فشار کار و یا وقت برای فعالیتهایشان را کاهش می‌دهد بالا ببرد. برنامه‌های دیگر باید نیازهای خاص سلامتی زنان و دختران را مطرح کند و زنان را قادر سازد تا مراقبتهای بهداشتی را برای خودشان و برای آنهايي که از نظر امنیت غذایی و تغذیه‌ای به ایشان وابسته‌اند، به جا آورند (۳ و ۱۰).

علاوه بر اینها تجدید نظر در سیاستهای کشاورزی، به منظور پاسخگویی به نیازها و اولویتهای زنان، توسعه ابزار و روشهایی برای تقویت توانایی سیاستگذاران و طرح‌ریزان در جهت مشخص کردن و حل و فصل مسائل مرتبط با جنسیت و مربوط به زنان، افزایش عضویت کامل زنان در نهادهای اجتماعی، انجمنهای تولیدکنندگان و سازمانهای غیردولتی و همچنین افزایش ارتباط آنها با نهادهای دولتی، ارتقای سطح آگاهیهای عمومی در مورد نقشها و مشارکت زنان نیز پیشنهاد می‌گردد (۲ و ۹).

بعلاوه افزایش مشارکت ایشان در تصمیمگیریها و سیاستگذارها در کلیه سطوح می‌باید مورد توجه قرار گیرد (۱۰).

بیشتر برنامه‌های توسعه برای زنان روستایی طی سالهای ۱۹۷۶ - ۸۵، آموزشهایی را در زمینه مهارتهای سنتی زنان (نظیر دوزندگی، پخت و پز و صنایع دستی) شامل می‌شده است و در واقع صرف اعتبار و اجرای برنامه‌هایی برای سرمایه‌گذارهای کوچک و برنامه‌هایی برای تولید درآمد، که زنان روستایی را وارد اقتصاد بازار نماینده، بوده است. ولی نکته قابل توجهی

زنان: کلید امنیت غذایی

که در این برنامه‌ها آشکار نیست، مداخلاتی بوده که بتواند تکنولوژیهای (فن آوری) کشاورزی، اعتبار و توسعه برای زنان کشاورز، همراه با باز توزیع زمین برای زنان و یا بهبود وضعیت درآمد زنان کارگر مزدبگیر را در مناطق روستایی بهبود و توسعه دهد. برنامه‌های مداخله‌ای در این زمینه‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی نقش زنان را در کشاورزی تقویت کند. شکست این گونه سیاستها و کاهش اعتبارات سازمانهای غیردولتی (NGO'S) و دولتی می‌تواند روی زنان فقیر روستایی تأثیر زیادی داشته باشد (۹).

نتیجه‌گیری اینکه تخصیص منابع کلی برای زنان، در واقع نشانه اهمیت برای تحقق امنیت غذایی است و فرایند پیشرفت موفقیت‌آمیز زنان تنها به خود ایشان ختم نشده بلکه حاصلش کل خانواده و جامعه را در برمی‌گیرد (۵).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

1. FAO. 1996, World Food Day 1996: Fighting hunger and malnutrition.
2. FAO. 1995, Committee on World Food Security, Draft of a policy Statement and plan of action. Item III of the provision agenda. CFS : 96/3, Rome, Italy.
3. Quisumbing A.R., Brown L.R, Feldstein H.S. & etc. Women: The Key to Food Security. International Food Policy Research Institute. Washington DC, No 21.1995.
4. Walker S.T., Innovative Agricultural Extension for Women : A case Study in Cameroon. The World Bank, WPS 403, Washington DC, 1990.
5. FAO. 1995
Food Security and food assistance, WFS : 96/TECH/14 ,Rome, Italy.
۶. دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴، گزارش ملی وضعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران.
۷. ویژه نامه سالگرد تأسیس دفتر امور زنان، ۱۳۷۲، روابط عمومی دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری.
8. Horenstein, N.R. Women and food Security in Kenya, The World WPS 232. Washington DC, 1989.
9. Buvinic M., Mehra R. , Women in Agriculture : What development can do, International Center for Research on Women, Washington DC. 1990.
10. FAO. 1997 Gender : Key to Sustainability and Food Security. Plan of Action for Women in Development 1996, Rome, Italy.